

چهل طلوع
در اذکار و ختومات عجیبه
و
مکاشفات و داستانهای غریبه

سید حسین (کمال الدین) رضوی حائری

نام کتاب:

چهل طلوع

در اذکار و ختومات عجیبه و مکاشفات و داستانهای غریبه

مؤلف: سید حسین (کمال الدین) رضوی حائری

ناشر: انتشارات تجرید

چاپ: نوید اسلام

نوبت چاپ: اول / تابستان ۸۴

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۵۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۹۵۵۵۷ - ۱ - ۴

مرکز پخش ۱:

قم - خیابان صفائیه - جنب حسینیه شهداء - کتابفروشی انجیلیه

تلفن: ۷۷۴۳۵۱۲ - ۰۲۵۱ همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۴۱۷۷

مرکز پخش ۲:

تلفن: ۷۸۳۲۷۵۵ - ۰۲۵۱

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.



پیش گفتار

در رابطه با تعریف هر شی، حدود آن را معین کردن، هدفمندی روشن تری میتواند راهگشای انسان در رسیدن به ساحل آرمانها و آرزوها باشد لذا در ارتباط با رساله «چهل طلوع» در اذکار و فتومات و مکاشفات و داستانهای شگفت انگیز گفته شده است.

باشد با عنایت حضرات معصومین علیهم السلام سیما حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام و فرمایشاتشان نگرشی دیگر، نسبت بمعانی و درجات و مراتب ذکر بینشی بوجود آید. هم برای ارتقاء عقلی و روحی در معرفت و محبت الهی، و هم برای رسیدن به ایقان و اخلاص و احسان بیشتر که زودتر انسان به حوائج دنیوی و اخروی، بلطف الهی برسد.

نکته که حائز اهمیت است، شناخت انسان از نفس خود که گاهی به ذات و جوهر او، گاهی به حقیقت و گاهی به روح او تعبیر میشود. که این شناخت، یعنی نفس ناطقه که نطق عقلی انسان را متبلور میکند و شفاف، که بتواند امواج مکفوف محبت الهی را در سرزمین دل انسان تشنه حق جاری کند و ریزشی در نهایت لطافت در تنهای انسان، آنها را به تنهایی شبینم گل، به طاقت نماندن به ابرهای شبگیر دنیا، تولدی در دامن رحمت و محبت و عنایت الهی، شکلی به زیبایی ابروان نور هدیه کند.

این است که جناب کمیل علیه السلام که از اصحاب سر حضرت مظهرالعجائب مولاعلی علیه السلام است که خواهش می کند که:



«اريد ان تعرفني نفسي»، نفس مرا به من بشناسان؟ آن حضرت می فرماید: «ای الانفس ترید؟»، کدامین نفس را اراده کرده ای؟ عرض می کند: مگر بیش از یک نفس داریم؟ فرمود: بلی. نفس نامیه نباتیه، حسیّه حیوانیه، نفس ناطقه و نفس کلیه الهیه^۱.

به هرجهت منظورم، نفس ناطقه که حقیقت انسان را در قیامت تشکیل میدهد و شکل بودن انسان را بتصویر می کشد، و نطق عقلی انسان را داراست.

سپس می فرماید: نفس ناطقه پنج قوا دارد که انسان با احیاء و زنده کردن این قوا در اثر اتصال به محبت الهی و اولیاءش که آئینه تمام نمای حضرت حق هستند، جاذبه ها و جذابیت ها را به سرزمین دل انسان شکوفا میکند که این قوا عبارتند از:

۱- ذکر ۲- فکر ۳- علم ۴- حلم ۵- نباهت، یعنی این نفس ناطقه، که نطق عقلی انسان و رسیدن به سرزمین سبز حقایق و زیباییها به او وابسته است. با تفکر کردن در موضوعات عالی و لطیف که عامل هدایت حیات انسانی میشود. ذکر و یاد حضرت حق بودن که مورد بحث و اشاره در اینجاست، و علم الهی که عالی ترین مراتب روحی انسانیت و شراب طهور این نفس ناطقه.

حلم و صبر داشتن، کلید پیروزی انسان است. آن کس که می خواهد نظاره گر شکوفها و گلها و طراوتش باشد باید احساس لطیف داشته باشد

تا بهار صبر کند، و دیگری نباهت، یعنی بیداری و توجه قلبی که بی تفاوت نگذرد و ارزشها را کم نفروشد. در بعضی از نسخه ها بجای نباهت، کلمه «اراده» فرموده‌اند که با این اختیار و اراده با توکل و توسل و ذکر حقیقی، انسان طلوع خواسته‌هایش را در ساحل بحر محیط الهی می‌بیند و لذت سرور استجاب دعا را که او عنایت داشته، جشنی واقعی دارد ان شاء الله.

با این ذکر حقیقی است که بتعبیر مولا علی «حلال مشکلات و نفس رسول الله الاعظم: «فقد شابهت جواهر اوائل عللها»^۱، که شباهت به جواهر عالم بالا پیدا میکند و وارد قرب الهی عالم ملائکه و فرشتگان میشود که در اثر لطافت، دعاهايشان را مستجاب می‌بیند. ولی نکته‌ای که باید توجه داشت در منازل معرفت و محبت، مراتب در محبت فرق میکند، بعضیها در محبت یک درجه، دیگری دو درجه و... می‌باشند.

پس هرچه انسان بینش و بصیرت بیشتری پیدا کرد، روحی لطیفتر و عمیقتر پیدا می‌کند و از ظلم و تعدی، گناه گرانی، تنفر بیشتری دارد. به تعبیر قرآن کریم: «فذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين»^۲ که تذکر و همدیگر را یاد آور کردن نفع و سود می‌دهد. کسانی که مؤمن هستند و راهی به سرزمین امنیت محبت الهی پیدا کرده اند.

از حضرت عیسی «سؤال شد: «من نجالس؟»

باچه کسی بنشینیم؟ فرمود: «یذکرکم الله رویته...»^۱، که دیدن آن شخص شما را به یاد خداوند (تبارک و تعالی) بیندازد. برای اینکه حضرت حق جمال آسمانها و زمین است و همه زیباییها از اوست. در پایان عرائض، این حدیث شریف و گرانقیمت را نقل کرده و اشاره ای در شرح آن دارد که آن شاء الله ختومات و اذکار و مکاشفات و داستانهای شگفت انگیز این رساله رهگشائی عمیق و جذاب را بدنبال داشته باشد. در این حدیث شریف می فرماید:

«لیس الذکر من مراسم اللسان و لامن مناسم القلب بل هو اول فی الذکر و شان فی الذاکر»^۲، که ظاهر این حدیث شریف این است که ذکر، نام حقیقی او تنها از وظایف زبان نیست و همچنین تنها از وظائف قلب هم نیست، بلکه اول در «ذکر»، یعنی قلب و خاطره ها وارد میشود سپس در ذاکر، یعنی برزبان جاری میشود. پس تنها ذکر زبان بدون تذکر و توجه قلب، و هم چنین قلب بدون تحرک و حرکت زبان، ذکر کامل نیستند بلکه، ذکر حقیقی که فوائد باطنی و ظاهری بر آن ترتب دارد با قلب و زبان هر دو می باشد.

چنانکه مرحوم شیخ صدوق^۳ در «کتاب خصال» و مرحوم فیض کاشانی^۴ در «کتاب وافی» حدیثی در مراتب ذکر نقل نموده اند که ذکر زبان، حمد و ثناء الهیست، ذکر روح، خوف و رجاء است، یعنی خوف از عظمت الهی که انسان خود را مقابل عظمت و عدالتش عین ضعف و فقر

۱- کتاب «قصص الانبیاء» از سید نعمت الله جزایری.

۲- کتاب «بحار الانوار» از علامه مجلسی در باب ذکر.

و نیستی ببیند، و همیشه امیدوار به رحمتش که او از خود ما به ما نزدیکتر و مهربانتر است.

یا ذکر قلب، صدق و صفا است که با این صدق و صفا، دیگر غل و غش در وجود انسان نمی ماند و جزو محبین و عاشقین مستبصر می شود که فرمود: «دعاوهم لایحجب»؛ هرگز دعاهايشان در حجاب نمی ماند، یعنی همیشه دعاهايشان مستجاب است.

و خدای نخواستنه از کسانی نباشیم که مولانا الصادق علیه السلام ناطق بحق به سفیان ثوری فرمود: «قلوبهم محشوة بعقارب»؛ یعنی بعضی افراد دلهايشان پر از عقرب است.

خلاصه اینکه در قرآن کریم سوره «بقره» می فرماید: «فاذکرونی اذکرکم»؛ یاد من باشید تا من یاد شما باشم که ذیل این آیه دارد: «فما من عبد یذکر الله الا و الله یذکره»؛ هیچ بنده ای نیست که خدا را یاد کند الا اینکه خدا او را یاد می کند. لذا در روایت دارد:

«ان المیت إذا وضع فی قبره، و انصرف عنه المشیمون من أهله، و ترکوه وحیداً فی لحدّه، یقول الله عزوجل: «ملائکتی، غریب قد نأی عنه الأهلون، و وحید قد جفاه الأقربون، قد کان فی الدنیا ذاکراً، ثم یقول: «عبدی خذلک، عبدی رفضک، و عزتی و جلالی لأنشرن علیک رحمتی»؛

یعنی وقتی که میت را در قبر می گذارند و همهٔ دوستان و آشنایان او را تنها می گذارند خداوند عزوجل به ملائکه می فرماید ملائکه من غریبست که او را اهلش و دوستانش تنها گذاشتند، در حالی که این بنده در عالم دنیا «ذاکر» بود و ما را فراموش نکرد، سپس می فرماید: «بندهٔ من، تو را تنها گذاشتند در درون خاک و رهایت کردند به عزت و جلالم قسم اکنون رحمتم را بر تو نازل می کنم و نشر می دهم. که وارد شده است: «ذکر اللسان جزاؤه النظر الی الرب»؛ یعنی ذکر گفتن جزایش نظاره کردن به جمال الهیست.^۱ چون بنابر اختصار است از شرح بیشتر این کلام لاهوتی که از آسمان مشیت الهی بر سرزمین قابلیتها و طالبین حق نازل شده خوداری می کنم.

«والسلام»

طلوع ۱

ختم اسرار سوره حمد برای حوائج

از مولا علی علیه السلام نقل شده است که:

«إِذَا مَا كُنْتَ مُلْتَمِساً لِرِزْقٍ وَ تُجْعُ الْقَصْدَ مِنْ عِبْدٍ وَ حُرٍّ وَ تَظْفَرُ بِالَّذِي تَهْوِي
سَرِيعاً وَ تَأْمَنُ مِنْ مُخَالَفَةٍ وَ غَدْرِ فَفَاتِحَةُ الْكِتَابِ فَإِنْ فِيهَا لَمَّا أَمَلْتَ سَرّاً أَيْ سَرّاً
فَلَا زِمَ دَرْسَهَا عَقْبِي عِشَاءً وَ فِي صَبْحٍ وَ ظَهْرٍ ثُمَّ عَصَرَ وَ لَازِمُهَا بِمَغْرِبِ كُلِّ لَيْلٍ
إِلَى التَّاسِعِينَ تَتَّبِعُهَا بِعَشْرِ تَنْلُ مَا شِئْتَ مِنْ عَزٍّ وَ جَاهٍ وَ عَظْمِ مَهَابَةٍ وَ عُلُوِّ قَدَرٍ
وَ عَزٍّ لَا تُغَيِّرُهُ اللَّيَالِي بِحَادِثَةٍ مِنَ النُّقْصَانِ تَجْرِي وَ تَوْفِيقٍ وَ أَفْرَاحٍ دَوَاماً وَ تَأْمَنُ
مِنْ نِكَالَةِ كُلِّ شَرٍّ وَ لَا تَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ بِشَيْءٍ فَلَا تَفْجَعُ بِمَكْرُوهِ وَ ضَرٍّ وَ مِنْ جُوعٍ
وَ عُرْيٍ وَ انْقِطَاعٍ مِنْ بَطْشٍ لِذِي أَمْرٍ وَ نَهْيٍ تُصَانُ وَ تُبْلَغُ الْأُمَالُ حَقّاً عَلَى طَوْلِ
الْمَدْيِ فِي كُلِّ دَهْرٍ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ أَتَاكَ آتٍ بِمَا يُغْنِيكَ عَنْ زَيْدٍ وَ عَمْرٍ»^۱

مجمّل این عبارت شریفه این است که:

اگر رزق و روزی و ثروت زیادی میخواهی و ازهربنده و آزادی بی نیاز
باشی و بزودی به آرزوهایت برسی و از هر غل و غشی و حيله در امان
باشی؛ پس «فاتحه الكتاب»، یعنی سوره «حمد» که اسرار عجیبی در آن
نهفته است برای رسیدن به آرزوها و حاجت‌هایت، این سوره را

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	پیش گفتار.....
۱۲	طلوع ۱.....
۱۲	ختم اسرار سوره حمد برای حوائج.....
۱۴	ختمی دیگر.....
۱۴	سوره توحید برای حوائج.....
۱۴	ختمی دیگر.....
۱۴	برای شفای مریض.....
۱۴	طلوع ۲.....
۱۴	ختم دعایی مجرب.....
۱۵	ختمی دیگر.....
۱۵	ختم بین نماز ظهر و عصر روز جمعه برای مال.....
۱۶	ختمی دیگر.....
۱۶	رفع هم و غم.....
۱۷	طلوع ۳.....
۱۷	این ختم برای هر حاجتی مؤثر است.....
۱۷	مکاشفه از سالکی.....



صفحه	عنوان
۱۸.....	طلوع ۴.....
۱۸.....	ختم اسم اعظم.....
۱۹.....	مکاشفه از حضرت الیاس علیه السلام
۲۰.....	طلوع ۵.....
۲۰.....	ختم نماز کیمیای نادعلی.....
۲۱.....	مکاشفه از شیخ حسین خوارزمی.....
۲۲.....	طلوع ۶.....
۲۲.....	ختم توسل به باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام
۲۲.....	مکاشفه از ملا آقا جان زنجانی.....
۲۴.....	ختمی دیگر.....
۲۴.....	سوره نصر برای رفع گرفتاریها.....
۲۴.....	طلوع ۷.....
۲۴.....	ختم توسل به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۲۵.....	مکاشفه از شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی.....
۲۵.....	طلوع ۸.....
۲۵.....	ختم صلوات فاطمه زهرا علیها السلام برای رزق و روزی.....
۲۶.....	مکاشفه از شیخ مرتضی انصاری.....
۲۷.....	ختمی دیگر.....
۲۷.....	جهت آسانی قبض روح.....



صفحه	عنوان
۲۷.....	طلوع ۹.....
۲۷.....	ختم صلوات علی بن موسی بن الرضا علیه السلام
۲۸.....	ختمی دیگر.....
۲۸.....	ختم بعد از نماز مغرب.....
۲۸.....	مکاشفه از سمندر شاعر اهل بیت علیهم السلام
۳۱.....	طلوع ۱۰.....
۳۱.....	ختم صلوات سیدالشهداء علیه السلام
۳۱.....	مکاشفه از جعفر آقای مجتهدی.....
۳۲.....	طلوع ۱۱.....
۳۲.....	ختم نماز مظفر یا مضطر.....
۳۳.....	مکاشفه از مولا علی علیه السلام به سلمان.....
۳۴.....	طلوع ۱۲.....
۳۴.....	ختم نمازی از حضرت سیدالشهداء علیه السلام
۳۴.....	مکاشفه از سالکی در وادی نماز.....
۳۵.....	طلوع ۱۳.....
۳۵.....	ختم توسل به خانم حضرت زینب علیها السلام
۳۵.....	ختمی دیگر.....
۳۵.....	ذکر یالطیف.....
۳۶.....	طلوع ۱۴.....



عنوان	صفحه
ختم استغفار و سوره قدر.....	۳۶
نکته شريف از استغفار حقيقي.....	۳۷
مكاشفه از خادم حرم حضرت رضا عليه السلام	۳۸
طلوع ۱۵.....	۴۰
ختم توسل به نسيده نفيسه.....	۴۰
ختمی دگر.....	۴۱
توسل به امام حسن مجتبي عليه السلام	۴۱
طلوع ۱۶.....	۴۲
ختم سوره نوح و مزمل برای رفع هم و غم.....	۴۲
مكاشفه در حالات خانم نفيسه.....	۴۳
ختمی دگر.....	۴۳
ذكر يا باسط.....	۴۳
طلوع ۱۷.....	۴۴
ختم نماز حضرت خضر نبي عليه السلام	۴۴
طلوع ۱۸.....	۴۵
ختم كلمات و اسماء بر ذوالفقار مولا علي عليه السلام	۴۵
ختمی دگر.....	۴۶
يا قاهر العدو.....	۴۶
مكاشفه از شب اول قبر محبين حضرت علي عليه السلام	۴۶



صفحه

عنوان

۴۷.....	ختمی دگر.....
۴۷.....	ختم عجیب از رسول اکرم ﷺ.....
۴۸.....	نکته شریف از احسان الهی.....
۴۸.....	طلوع ۱۹.....
۴۸.....	ختم بسم الله الرحمن الرحیم.....
۴۹.....	ختمی دگر.....
۴۹.....	نماز عجیب و مشکل گشا.....
۵۰.....	نکته شریف از اسم خداوند.....
۵۱.....	طلوع ۲۰.....
۵۱.....	ختم توسل به باب الحوائج موسی بن جعفر علیهما السلام.....
۵۱.....	مکاشفه از خادم امام صادق علیهما السلام.....
۵۳.....	طلوع ۲۱.....
۵۳.....	ختم دعایی جامع.....
۵۳.....	ختمی دگر.....
۵۳.....	جامع ترین دعا.....
۵۴.....	مکاشفه از حضرت رضا علیهما السلام به دختری.....
۵۷.....	طلوع ۲۲.....
۵۷.....	ختم دعای جلیل القدر فرج.....
۵۸.....	ختمی دگر.....

صفحه	عنوان
۵۸.....	برای فتوحات و گشایش
۵۹.....	ختمی دیگر
۵۹.....	نماز دعای فوج
۵۹.....	مکاشفه از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
۶۱.....	طلوع ۲۳.....
۶۱.....	ختم عجیب ادریسه علیه السلام
۶۲.....	نکته شریف از ادریس نبی علیه السلام
۶۳.....	طلوع ۲۴.....
۶۳.....	ختم از بین رفتن تنگدستی
۶۳.....	نکته شریف از مراتب نیکی
۶۳.....	طلوع ۲۵.....
۶۳.....	ختم مخاطب قرار دادن خضر نبی علیه السلام
۶۴.....	مکاشفه از حضرت علی علیه السلام بر جنازه سلمان
۶۴.....	طلوع ۲۶.....
۶۴.....	ختم و ذکر در خزانه پادشاهی
۶۵.....	ختمی دیگر
۶۵.....	ذکر یونسیه
۶۵.....	طلوع ۲۷.....
۶۵.....	ختم برای گشایش امور



صفحه

عنوان

۶۷.....	مکاشفه از شیخ بهایی
۶۷.....	نکته شریف از یک فیلسوف یونانی
۶۸.....	طلوع ۲۸.....
۶۸.....	ختم شگفت انگیز صلوات
۷۰.....	ختمی دگر
۷۰.....	برای حافظه
۷۰.....	مکاشفه از دختری که در عذاب بود
۷۱.....	طلوع ۲۹.....
۷۱.....	ختم اسرار ثروتمند شدن
۷۲.....	مکاشفه از حالات سید مرتضی کشمیری
۷۴.....	طلوع ۳۰.....
۷۴.....	ختم اکسیر و کیمیا اعظم
۷۴.....	مکاشفه از خادم حرم ابا عبدالله الحسین علیه السلام
۷۵.....	مکاشفه از زمان سلاطین صفویه
۷۷.....	طلوع ۳۱.....
۷۷.....	ختم مبارکه سورة یاسین
۷۸.....	ختمی دگر
۷۸.....	سبحان الذی بیده
۷۸.....	مکاشفه از عارفی

صفحه	عنوان
۷۹.....	طلوع ۳۲.....
۷۹.....	ختم نماز حاجت.....
۸۰.....	مکاشفه از شیخ احمد.....
۸۰.....	طلوع ۳۳.....
۸۰.....	ختم اسم اعظم الهی.....
۸۱.....	مکاشفه از جناب سلمان.....
۸۲.....	طلوع ۳۴.....
۸۲.....	ختم برای حوائج.....
۸۳.....	مکاشفه از عبد الطاهر.....
۸۵.....	نکته شریف از جناب سلمان.....
۸۵.....	طلوع ۳۵.....
۸۵.....	ختم توسل به روح مطهر حضرت مولا علی علیه السلام
۸۶.....	ختمی دیگر.....
۸۶.....	دعای شب جمعه.....
۸۶.....	نکته شریف از معرفت و محبت الهی.....
۸۷.....	مکاشفه از شهر نیک از بلاد ترکستان.....
۸۸.....	طلوع ۳۶.....
۸۸.....	ختم آیه الكرسی.....
۸۹.....	مکاشفه از عبدالله عون و تعبیر ابن سیرین.....



عنوان	صفحه
طلوع ۳۷.....	۹۱
ختم نماز من یتق الله.....	۹۱
نکته شریف از ختمی پر سرور.....	۹۱
مکاشفه از جعفر آقای مجتهدی.....	۹۲
طلوع ۳۸.....	۹۳
ختم از ذوالقرنین.....	۹۳
مکاشفه شگفت انگیز از ذوالقرنین.....	۹۳
نکته شریف از خزانه سلطنت الهی.....	۹۵
طلوع ۳۹.....	۹۵
ختم برای هر امر مشکلی.....	۹۵
ختمی دیگر.....	۹۷
نماز فرزند برای والدین.....	۹۷
ختمی دیگر.....	۹۷
نماز برای شفاء اولاد.....	۹۷
ختمی دیگر.....	۹۸
توسل به حضرت علی اصغر علیه السلام	۹۸
مکاشفه از عالم تبریزی.....	۹۸
ختمی دیگر.....	۹۹
از مرتاضین هندی.....	۹۹

۹۹.....	مکاشفه، از دیدن مأمون بصورت میمون
۱۰۲.....	طلوع ۴۰.....
۱۰۲.....	ختم توسل به صاحب الامر و الزمان علیه السلام
۱۰۲.....	ختمی دگر.....
۱۰۲.....	جهت تشرف به خدمت صاحب الزمان علیه السلام
۱۰۳.....	ختمی دگر.....
۱۰۳.....	جهت شفای مریض و جمیع گرفتاریها
۱۰۳.....	مکاشفه از تشرف ملاقاسم.....
۱۰۶.....	ختمی دگر.....
۱۰۶.....	جهت کفایت در مهمات.....
۱۰۶.....	مکاشفه از تشرف در مسجد صعصعه.....
۱۰۷.....	مکاشفه از تشرف یک زیدی مذهب.....
۱۰۹.....	دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان.....

